**کتابشناسی ادبیات نوین فارسی**

**نویسنده : هدایتی، زهره**

ادبیات نوین فارسی: کتابشناسی انتقادی از 1356 تا 1379. به کوشش کریستف بالایی؛ با همکاری شاهرخ تندرو صالح و همکاران مجله چکیده‏های ایران‏شناسی. تهران. معین و انجمن ایران‏شناسی فرانسه در ایران. 1381 [تاریخ انتشار 1382] . چهارده+ 416 ص. [مجله چکیده‏های ایران‏شناسی، مجلد مستقل، شماره 6].

کتاب‏شناسیِ انتقادیِ ادبیّات نوین فارسی درواقع محصولی است برآمده از دل مجله چکیده‏های ایران‏شناسی ــ مجله نقد و بررسی کتابها و مقاله‏های حوزه ایران‏شناسی ــ که به همّت انجمن ایران‏شناسی فرانسه در ایران به تناوب از سال 1356 به بعد به زبان فرانسه ــ و در یکی دو سال اخیر، هم به فرانسه و هم به فارسی ــ منتشر شده است. کریستف بالایی و همکارانش در این کتاب‏شناسی همه مدخلهای مرتبط با «ادبیات نوین» فارسی ــ اعم از داستان، شعر، نقد ادبی و نمایشنامه ــ را از مجلدات بیست‏ودوگانه چکیده‏ها استخراج کرده‏اند و حدود 600 مدخل حاصل از آن را در چهارفصل، به همان ترتیب، هم برحسب ترتیب زمانی و هم برحسب نوع و مضمون (داستان، شعر، نقد ادبی و نمایشنامه)، مرتب نموده‏اند. البته بعدا «صدیادداشت دیگر به آن افزوده شد که خوشبختانه بدین ترتیب فراموشی در مورد آثاری که به ناحق از قلم افتاده بود جبران گشته و ...» (مقدمه ص. ر ). تعداد و فراوانیِ مدخلها نیز به ترتیب، به شرح زیر است: داستان 356 مدخل؛ شعر 198 مدخل؛ نقد ادبی 103 مدخل؛ و نمایشنامه 8 مدخل؛ یعنی سرجمع و دقیقا 665 مدخل.

کریستف بالایی، در «مقدمه»اش بر این کتاب‏شناسی، هم انگیزه‏های خود و همکارانش از گردآوردن این مجموعه را شرح داده، هم مختصری از تاریخچه و سابقه مجله چکیده‏ها طی بیست‏وسه‏سال گذشته و هم تحلیلی اجمالی از وضع ادبیات نوین فارسی و تأثیر آن بر تاریخِ اجتماعیِ مردم ایران و تأثرش از اوضاع و احوال سیاسی ـ اجتماعی ـ فرهنگی به دست داده است. و البته در این ضمن نکاتی را هم به طور گذرا طرح کرده که جادارد بررسیهای ژرفتری در موردشان صورت گیرد؛ ازجمله غلبه تدریجی نثر و به‏ویژه «نثر روایی» یا داستان و رمان بر شعر و نیز ارتباط نثر با تجدّد [مدرنیته] .

بالایی مقدمه‏اش را با شرح ماجرای همزمانیِ اندیشه به‏راه‏انداختن مجله چکیده‏ها و برگزاری آخرین کنگره شعرا و نویسندگان ایرانی در محل انستیتو گوته تهران، که به «ده‏شب» شهرت یافت آغاز می‏کند و تقارنِ انتشار نخستین شماره مجله را با انتشار مجموعه سخنرانیهای «ده‏شب» به فال نیک می‏گیرد: «بنابراین، فعالیت مجله چکیده‏ها در زمینه مطالعه و بررسی جنبشها و تحولات ادبی ایران همزمان با امواج خروشانِ حوادث انقلاب آغاز گشت ... [و چکیده‏ها همچون] یک شاهد استثنایی، هرچند به‏طور ناقص، نظاره‏گر تحولات ادبی ایران در بیست‏سالِ اولِ پس از انقلاب ... [گردید]». سپس به ذکر روشِ تنظیم و تدوین کتاب‏شناسی و پس از آن به بررسیِ محتوای کلی هرشماره از چکیده‏ها، از شماره 1 تا 22، می‏پردازد. نکته مهم تفکیک‏نکردنِ ادبیات کهن و نوین یا کلاسیک و مدرن تا شماره سوم مجله است. شماره نخست چکیده‏ها «... آخرین جلوه‏های فضای پیش از انقلاب را به تصویر می‏کشد». در نخستین شماره، در وجه نقد ادبیِ قدمایی عمدتا به مجله راهنمای کتاب و نویسندگانی چون ایرج افشار، غلامحسین یوسفی و حبیب یغمایی توجه می‏شود و از «متجددین» هم علی‏محمّد افغانی و رُمان شوهر آهوخانماش، صادق هدایت، عبدالرحیم طالبوف و آل‏احمد و غرب‏زدگیاش مورد توجه بوده‏اند. در شماره دوم ضمن اینکه هنوز تفکیکی بین قدما و معاصران صورت نگرفته، در زمینه شعر و نقد آن یداللّه‏ رؤیایی و در زمینه قصه‏نویسی صمد بهرنگی نامهای تازه مطرح‏شده در کنار دیگرانند. بنابر گزارش بالایی، در نقدهای شماره سوم مجله چکیده‏ها تفکیک شعر و نثر و مدرن و کلاسیک از یکدیگر و توجه ویژه به علی‏اکبر دهخدا چشمگیر است. شماره چهارم مجله به جَنگ ایران و عراق برمی‏خورد و آشفتگیهایی در آن راه می‏یابد. اما چند کار ارزشمند در این شماره معرفی می‏شود:

ترجمه گزیده داستانهای کوتاهِ هدایت به اهتمام احسان یارشاطر به انگلیسی و دیگر ترجمه گزیده‏ای از داستانهای کوتاه معاصران به همت ژیلبر لازار به فرانسه؛ ذکر جمیل غلامحسین یوسفی و پژوهش برجسته ف. ماشالسکی (مدخل شماره 20، بخش شعر) و چاپ مجموعه اشعار سهراب سپهری از گفتنیهای شماره چهارم چکیده‏ها بوده است.

در شماره پنجم مجله (سالهای آغازین دهه 1360) «نثر روایی موردتوجّه خاص قرار می‏گیرد ... جای نمایشنامه همچنان خالی است ... [و] ... دو اثر برجسته تأثیر بسزایی بر آفرینش شعری می‏گذراند»: شعر شهادت استِ فرامرز سلیمانی ... و ... ادوار شعر فارسیِ شفیعی کدکنی.

بالایی معتقد است در این سالها، در زمینه ادبیات داستانی، دو اثر قابل توجّه است: یکی رساله دکتریِ [جمشید] مصباحی‏پور ایرانیان (مدخل شماره 46، بخش داستان) و دیگر «تحقیق جمال میرصادقی بر روی روایت‏شناسی» (مدخل شماره 48، بخش داستان). در زمان انتشار شماره پنجم مجله نشریات نقد ادبیِ جدیدی نیز به عرصه آمده بوده‏اند.

بسته‏شدنِ انجمن ایران‏شناسی فرانسه، به دنبال تیرگی روابط ایران و فرانسه، اثرش را در مطالب شماره ششم (1362/ 1983) آشکار کرد. «در این زمان، ایران در زمینه ادبیات فارسی سالهای دشواری را می‏گذرانَد؛ ... مجلات معتبر منتشر نمی‏شوند و نظام جدید سانسور به طور جدی آثار و آفرینش فرهنگی را تحت کنترل درمی‏آورد ...» در این زمان شاخه‏ای از نقد ادبی ایران در آمریکای شمالی در حول و حوش مجله مطالعات ایرانی (Iranian Studies)، با منتقدانی همچون محمّدرضا قانون‏پرور، پل استراکمن و مایکل کریگ هیلمن، شکل می‏گیرد.

تحولات مهم مقارن با انتشار شماره هفتم مجله (1363/ 1984) عبارتند از «شکوفایی مجدّد نقد ادبی» و نیز «رونق دوباره نقد سنّتی» با انتشار مجله نشر دانش (نمی‏دانیم چرا سر و کله مقالات نشر دانش از شماره هفتم چکیده‏ها پیدا شده، شاید، علت همان تعطیل و تعلیق انجمن ایران‏شناسی بود؟)، و «تشکیل نظام فرهنگستانی در قالب تعریف جدیدی براساس فرهنگ اسلامی» و نیز انتشار چندین اثر در نقد ادبی.

در شماره هشتم چکیده‏ها از انتشار «مجموعه مقالات توماس ریکس که ارزش و اهمیت آن در تهیه کتابنامه جامع نقد در زمینه ادبیات معاصر قابل توجه است، ...» یاد شده، اما متأسفانه مشخصات کتابی که تا به این پایه مهم تلقی شده به دست داده نشده و در کتاب‏شناسی هم ارجاعی به آن صورت نگرفته است.

واقعه مهم سالهای 1365/ 1986، که مقارن است با انتشار شماره نهم مجله، «پدیدآمدنِ یک مکتب امریکایی`` با فرهنگِ فارسی» [کذا] است که دوتن از نمایندگان آن فرزانه میلانی و احمد کریمیِ حکاک مطالب مهمی در این سال در زمینه نقد منتشر می‏کنند.

بالایی محتویات شماره دهم مجله را، به دلیل غیبتش در جمع تحریریه، ناقص و نارسا برمی‏شمرد، اما از چند کار مهم نیز نام می‏برد: ترجمه «کتابنامه ادبیات مدرن فارسی به زبان انگلیسی و به اهتمام ژروم کلینتن» و انتشار شماره هفتم مجله الفبا پس از مرگ غلامحسین ساعدی درباره او و آثارش.

از سالهای پس از جنگ کم‏کم بازار ادبیات و نقد ادبی رونق می‏گیرد و بازتاب آن را در شماره یازدهم مجله چکیده‏ها (1367/ 1988) می‏بینیم. انتشار نخستین جلد از صدسال داستان‏نویسی در ایران، اثر حسن میرعابدینی و نگارش رساله دکتری خودِ بالایی باعنوان پیدایش زبان فارسی ــ و انتشار آن در سال بعد ــ به نظر نویسنده نشانه‏های توجه عمیق‏تر و دقیق‏تر به نثر رواییِ معاصر است. در سالهای بعد نیز مجلات ادبی، نظیر آدینه و دنیای سخن باز شکوفاتر می‏شوند و نقد ادبی در خارج از ایران نیز جایگاه روشنتری پیدا می‏کند.

در روایت سالهای 1369/1990، که سیزدهمین شماره چکیده‏ها منتشر می‏شود، دونکته مهم به نظر می‏آید: یکی انتشار رمانِ طوبی و معنای شب ِ شهرنوش پارسی‏پور، «که در جنبش نوآوری رمانِ فارسی پس از انقلاب اثری به یادماندنی است» و دیگری «چاپ فیلمنامه‏های بهرام بیضایی، نمایانگر پدیده خاص این بیست سال اخیر، یعنی رابطه میان هنر و سانسور است. درواقع، غالب این فیلمنامه‏ها که مجاز به پخش بر صفحه سینما نبودند به صورت نوشتار به چاپ رسیدند و این بخش قابل ملاحظه‏ای [ است] ... که در حیطه آگاهیِ نقد ادبی قرار گرفته است».

سالهای آغازین دهه 1370 سالهای پیداشدن آثار و بازتابِ «جوشش و انگیزه‏ای [ است] که انقلاب در اجتماع ایران پدید آورد ... [ و این جوشش و ... منجر شد به این که] در زمینه نثر نسلِ جدیدی بر کمال و پختگی دست» یابد. بالایی از وقایع مهم این سالها «نقد مایکل برد بر روی بوف کور هدایت» و «انتشار مجله دوزبانه نگاه در زمینه شعر فارسی در کشور فرانسه» را ذکر کرده است.

شماره‏های بعد چکیده‏ها همچنان شاهد گویای شکوفایی شعر و داستان و نمایشنامه و نقد ادبیند و یک پژوهش عمیق درباره هدایت ( بر مزار صادق هدایت، اثر یوسف اسحاق‏پور) که نخست به زبان فرانسه نوشته و منتشر شد و نیز نامه گلی ترقی با این داوری مهم که «نثر فارسی هنوز جایگاه شایسته خود را در ادبیات دنیا پیدا نکرده است» و پیداشدن این «مسئله بسیار اساسی که در این سالها اذهان را به خود مشغول می‏دارد ... که چرا ادبیات معاصر فارسی هنوز توفیق آن را نیافته تا جایگاه شایسته‏ای در سطح ادبیات دنیا کسب نماید؟» [تأکید از کتابگزار است.] از برجسته‏ترین رویدادهای این سالها در این زمینه است. روایت بالایی به این ترتیب ادامه می‏یابد که «به علت تشدید بحران در نشر مجله، شماره 19 / 17 (5 ـ1373/ 6ـ1994) سه سال را یکجا مورد بررسی قرار می‏دهد». نکته مهم این سالها رونق‏گرفتنِ «ادبیات مردمی» [عامه‏پسند] و «پاورقی»هاست و نیز «مطالعه رمانهای زاییده [برآمده از] انقلاب، به‏ویژه ادبیات جنگ و گزیده‏های داستانهای کوتاه در این زمینه، تفکر نقد ادبی را به خود جلب می‏کند».

در سالهای بعد ادبیات نوین فارسی همچنان در تکاپوست. از نظر بالایی انتشار تاریخ تحلیلی شعر نو، اثر شمس لنگرودی و ترجمه برخی از آثار ادبی معاصر ایران به فرانسه و انگلیسی، و توجه بیشتر به «مسائل زنان» و «ادبیات در تبعید» در آثار ادبی از نکات بارز این سالهاست که در شماره‏های 20 و 21 چکیده‏ها بازتاب یافته.

یکی از مهمترین داوریهای بالایی در مورد ادبیات در ایران در روایت برداشتهایش از شماره 22 چکیده‏ها و به گفته خودش «در واپسین سال هزاره» (1378/ 1999) صورت می‏گیرد که به نقل کامل می‏ارزد [تأکیدها از کتابگزار است] :

پس از قرون طولانی که طی آن شعر، جوهره ادبیات ایران را تشکیل می‏داد و در مرکز نظام فرهنگ فارسی [کذا[ جای گرفته بود، اکنون نثر رفته‏رفته این مقامِ ممتاز را از او می‏رباید. پیدایش و ظهورِ دو نوعِ ادبیِ مهم در آغاز قرن بیستم[ ، [ یعنی داستان کوتاه و رمان بر پیکر سنّت ادب ایران که خلل‏ناپذیر جلوه می‏کرد شکافی پدید می‏آوَرَد. از سوی دیگر تحولِ سیاسی ـ اجتماعی ایران، دگرگونی نظام فرهنگی را همراهی نموده و از آن حمایت می‏کند. تجدّد اجتماعی و سیاسی در زمینه ادبیات، از طریق رمان و داستان کوتاه متجلی می‏گردد ... انقلاب سال 1357/ 1978 به منزله ضربه ناگهانی اما نجات بخشی است که بر اثر آن رمان فارسی راه خود را می‏یابد ... (مقدمه، ص غ).

جمع‏بندی و نتیجه‏گیری بالایی هم جالب توجّه و قابل تأمل است که ما با حذف توضیحات او، فقط موارد آن را در اینجا برمی‏شمریم: «عدم حضور نثر روایی معاصر در تحقیقات دانشگاهی [ با اشاره به تحقیق سیّدمحسن حسینی مؤخر، معرفی شده در مدخل شماره 321، بخش داستان]، جهشِ شگفت‏آور در انواع نثر ادبی ... ، رکود در آفرینشِ آثار شعری، جوششی خارق‏العاده در حیطه نقد ادبی ... آگاهی ملی به استقلال فکری و فرهنگی و ... فرار مغزها و هنرمندان ... ، موفقیت آثار مردمی [ ادبیات عامه‏پسند] ، و در دشواری و زحمت‏بودنِ [ نویسندگانِ[ آثار منثور جدی و وزین و متعهد، و سرانجام، بازتاب ضعیف ادبیات ایران در سطح بین‏المللی». البته نویسنده مقدمه همه این آثار را «آثاری مثبت» برمی‏شمارد و این آشفتگیها را روبه‏سامان می‏بیند.

اگر بپذیریم که به ویژه داستان کوتاه و رمان دو عرصه آشکار ورود انسان به دوران مدرنیت ذهنی است و اگر بپذیریم که تجدّد (مدرنیت) اجتماعی ـ سیاسی در تحولات ادبی، به‏ویژه ادبیات داستانی، مؤثر و متجلی می‏شود، باید کتابشناسی انتقادی ادبیات نوین فارسی را، که آثار ادبی بیست سال اخیرــ بیست‏سال پرتلاطم مردم و سرزمین ما، و لاجرم بیست‏سال اخیر از زندگی خود ماــ را بررسی و نقد کرده، ابزاری مفید و مناسب برای یادآوری، مرور و بررسی تحولات اجتماعی ـ ادبی معاصر بدانیم و دست‏اندرکاران و فراهم‏آورندگانش را پاس و سپاس گوییم.